

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ اگست ۲۰۲۳

## "حفیظ منصور" و افشای یک راز مگو!

سه شنبه - ۰۷ سنبله ۱۴۰۲ - کابل: هرگاه به خبرهای روز ها اخیر دقت نموده باشید، حتماً متوجه درگیری لفظی بین "حفیظ منصور" یک تن از اعضای رهبری به اصطلاح "جبهه مقاومت ملی" و "علی میثم نظری" مسؤول روابط خارجی همان جبهه نامنهاد شده اید. این تقابل لفظی زمانی رازهای مگو و تصامیم پشت پرده آن جبهه نامنهاد را افشاء نمود، که "حفیظ منصور" در شبکه های اجتماعی ماهیت به اصطلاح "جبهه مقاومت ملی" را افشاء کرده نوشت: «همه منسوبین جبهه مقاومت ملی افغانستان/خراسان "مسلمان" می باشند، غیرمسلمانان می توانند به عنوان "خوشبین"، "حامی"، "پشتیبان" بوده باشند.»

مسلم بود از آنجائی که این موضعگیری نقاب ریائی و کاذبانه به اصطلاح "جبهه مقاومت" را می درد و ماهیت اخوانی آن را افشاء می نماید، آن جبهه ساکت نمانده علیه آن موضع خواهد گرفت. همین بود طبق انتظاری که می رفت "علی میثم نظری" از موضع مسؤول روابط خارجی آن جبهه، گفته های "حفیظ منصور" را زیر سؤال برده ضمن آن که آن گفته ها را مواضع شخصی گوینده اعلام داشت گویا از طرف به اصطلاح "جبهه مقاومت ملی" اعلام داشت: «جبهه مقاومت ملی افغانستان، جبهه آزادی بخش و متعلق به همه شهروندان آزاده و آزادی خواه کشور ماست. دیدگاه ها و پیام های شخصی یک عضو این جبهه، دیدگاه رهبری و خطوط اساسی جبهه نیست و نمی توان بر بنیاد آن حکم کلی ارائه کرد.»

دریادداشت امروز مکث کوتاهی داریم در همین زمینه:

۱- نخست باید گفت که "حفیظ منصور" که امروز یک تن از اعضای رهبری به اصطلاح "جبهه مقاومت ملی" شمرده می شود یکی از اخوانی های باسواد و به زبان سیاسی "ایدئولوگ" های اسلام سیاسی در افغانستان بوده، هرگاه خواسته است حرفی بزند، اعتقاداتش را در نظر گرفته زبان باز کرده است. چنانچه هفت سال قبل از امروز با انتقاد از مضمون "تقافت اسلامی" در تمام پوهنخی ها، سمت حرکت تحصیلات در افغانستان را خلاف منافع ملی و تاریخی مردم افغانستان اعلام داشت. - این مطلب را در همان زمان استاد "موسوی" در ۵ قسمت که از تاریخ ۱۷ دسمبر ۲۰۱۶ آغاز و به تاریخ ۱۴ جنوری ۲۰۱۷ خاتمه یافت تحت عنوان "کور هم می فهمد که دلدۀ شور است"، به تفصیل بیان داشته است. علاقه مندان جهت مزید معلومات می توانند به آرشیف استاد "موسوی" در همین جا مراجعه نمایند.

بدون حب و بغض باید گفت که "حفیظ منصور" بین تمام داعیان اسلام سیاسی در مقطع کنونی شاید تنها کسی باشد که درصد دروغ هایش نسبت اظهارات صادقانه اش کمتر می باشد. از همین رو وقتی وی می گوید که "جبهه مقاومت ملی" در اساس یک ترکیب اسلامی است و غیر مسلمانان را در آن جایی نیست، باید باور نمود که وی راست می گوید. او می داند که به اساس دساتیر مستقیم اسلام در قران، مسلمانان حق ندارند کفار و مشرکان و غیر مسلمانان را دوست و متحد خود بگیرند و با آنها حتا در سطح روابط جبهه ئی نزدیکی و همسوئی نمایند.

۲- عکس "حفیظ منصور"، "علی میثم نظری" به نسل دیگری از پیروان اسلام سیاسی تعلق دارد که جوهر و محتوای عملکردشان را اصل "هدف وسیله را توجیه می کند" ساخته، از همین رو دروغ گفتن و خدعه و نیرنگ را در مقاطع معینی و بنا بر ضرورت مجاز می دانند.

هموطنان گرامی!

حال بیانید ببینیم که تأثیر تفاوت این دو دیدگاه چه می تواند باشد.

وقتی به آن "جبهه مقاومت ملی" که "حفیظ منصور" معرفی می کند می رسیم دیده می شود که در آنجا اسلام سیاسی و ایدئولوژی اسلامی به برداشت خودشان حرف اول را زده، در صورتی که به حاکمیت دست بیابند، باز فضای سیاسی و درب اشتراک در قدرت را برای همان هائی باز خواهند نمود که دیروز در زمان حاکمیت ربانی- مسعود و امروز در زمان حاکمیت طالب در قدرت اشتراک دارند. یعنی اسلامیت در افراد ارجحیت دارد نسبت به افغانیت، انسانیت، درایت و تخصص.

از نظر "علی میثم نظری" این طرز دید امکان جذب آنها را محدود ساخته، مردم را که بعد از اینهمه جنایت اسلام سیاسی در اشکال مختلف آن، دیگر نمی خواهند کسی در پناه خدا و محمد زن و دخترشان را زندانی نموده بر روی خودشان به خاطر تراشیدن ریش سیلی بزنند، از جبهه متنفذ ساخته باعث تضعیف آنها می گردد. لذا می خواهد با کتمان ماهیت این جبهه نام نهاد امکان گسترش جبهه را مساعد بسازد.

هموطنان گرامی!

واقعیت قضیه آن است که "حفیظ منصور" صادق تر از "علی میثم نظری" است. از همین رو تمام آنهائی که می خواهند از این دکان جدید خاندان "مسعود" حمایت نمایند، باید بدانند که آنها کسانی را حمایت می کنند که هیچ تفاوتی با نظام ملاسالار ندارند. حتا اگر به کمک نیروهای امپریالیستی شرق و غرب به بازی قدرت گرفته هم شوند، حاکمیتی را که به وجود خواهند آورد ماهیتاً با نظام ملاسالار تفاوتی نخواهد داشت.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**